پلیس، منجی زن بوشهری شد

هوشیاری پلیس باعث نجات جان زن بوشهری از مرگ شد.
سرهنگ نیما مقاتلی، معاون عملیات فرماندهی انتظامی استان بوشهر به فارس گفت: زنی ساکن شهر بوشهر با مرکز پلیسی ۱۱۰ بوشهر تماس گرفت اما قادر به حرف زدن نبود. وی با برخی اشاره‌ها مطالبی را عنوان کرد، با توجه به وضعیت موجود و صداهای دریافتی، کاربر ۱۱۰ با هوشیاری به این موضوع حساس و مشکوک شد. او قادر به صحبت کردن و بیان موضوع و نشانی محل زندگی خود نبود و پس از چند دقیقه توانست خود را معرفی کند. کاربران ۱۱۰ با صبر و حوصله و مهارت بالا ضمن آرام کردن وی، اطلاعات لازم و نشانی را دریافت کردند. نیروهای کلانتری ۱۱ باغ زهرا به محل اعزام شدند که در بررسی صورت گرفته مشخص شد یک مورد درگیری خانوادگی رخ داده و جان فرد تماس گیرنده در معرض خطر است. با هدایت و مدیریت سریع و به‌موقع کاربران ۱۱۰ استان و اعزام به موقع عوامل انتظامی به محل، به این زن که در معرض خطر جانی بود، کمک شد.



محاکمه مرد جوان و همسر چهارمش به اتهام قتل دختر ۱۰ ساله

زینب، قربانی توطئه پدر و نامادری‌اش شد

دو سال از ناپدید شدن اسرارآمیز دختر ۱۰ساله‌ای به‌نام زینب می‌گذرد و سرنوشت او همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. دیروز پدر او به اتهام قتل و همسر چهارمش به اتهام معاونت در قتل زینب در دادگاه حاضر شده و از خود دفاع کردند. در این جلسه، پدربزرگ زینب، اشد مجازات را برای مادر زینب، پسرش و همسر چهارم او درخواست کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، مادر زینب به امید خوشبخت شدن با مهدی ازدواج کرد اما رویای او سرابی بیش نبود. ۱۱سال قبل با شوهرش در حالی‌که پیش از او دو بار ازدواج کرده و جدا شده بود، ازدواج کرد و پس از مدتی صاحب دختری به نام زینب شدند. دخترک تازه راه رفتن یاد گرفته بود که مادر و پدرش از هم جدا شدند و مادر سرپرستی دخترکش را به‌عهده گرفت تا مدت‌ها خبری از پدر زینب نبود تا این‌که مادر، سه سال قبل با شوهر سابقش تماس گرفت تا از او برای جراحی دندان‌های زینب رضایتنامه بگیرد. با این تماس، مهدی که دوباره ازدواج کرده و یک پسر داشت، تصمیم گرفت دخترش را از همسر سابقش بگیرد اما مادر حاضر به این کار نشد تا این‌که یک روز مهدی به مدرسه دخترش رفت و او را با خود به خانه‌اش برد.

آخرین تصویر زینب

این آخرین باری بود که مادر، زینب کوچکش را می‌دید و هربار می‌خواست او را ببیند، مهدی مانع می‌شد. همین مساله باعث شد تا مادر به شوهر سابقش شک کند. با شکایت او، مهدی دستگیر شد و در بازجویی‌ها ادعا کرد زینب را به مادرش داده و خبری از او ندارد اما دل مادر راضی نمی‌شد. مهدی در ادامه تحقیقات گفت: همسر چهارمم نمی‌دانست دختر ۱۰ساله‌ای دارم و وقتی فهمید گفت او را بفروش. من هم او را در میدان شوش به مرد معتادی فروختم.

مهدی در نوبت بعدی بازجویی‌اش از اعترافات قبلی خود عقب‌نشینی کرد. او مدعی شد به‌دلیل فشارهای همسر چهارمش از دستفروشی در ناصرخسرو قرص خرید و سپس زینب را با موتور به پاکدشت برد و قرص‌ها را همراه با آبمیوه به او خوراند. حوالی خاورشهر زینب بیهوش شده بود و برای همین مهدی او را در ۱۰متری جاده رها کرد و به خانه برگشت.

ماموران به نشانی‌ای که مهدی داده بود رفتند اما هیچ رد و نشانی از زینب پیدا نکردند. از بهزیستی هم استعلام گرفتند اما مشخص شد دختری با مشخصات زینب در بهزیستی نیست. مهدی در بازجویی بعدی، این بار به‌طور مستقیم همسر چهارمش را به‌عنوان مقصر معرفی و ادعا کرد به‌دلیل فشارهای او قرص روانگردان به زینب خوراند تا از شرش رها شود. یک بار دیگر هم ادعا کرد همسر چهارمش زینب را به خانواده‌ای که بچه نداشتند، داده است. با ادعاهای جدید مهدی، مادر زینب از شوهر سابقش به اتهام آدم‌ربایی و قتل و از همسر مهدی به اتهام معاونت در این جرایم شکایت کرد.

مهدی به خوراندن قرص‌های روانگردان به دخترش اعتراف کرد اما همسر چهارمش هیچ‌کدام از اتهام‌ها را قبول نکرد. همسر چهارم مهدی مدعی بود: «وقتی فهمیدم مهدی یک دختر دیگر هم دارد با او شرط گذاشتم که دخترش را به خانه نیاورد چون نمی‌توانستم همزمان از او و پسرمان مراقبت کنم اما او به قولش عمل نکرد. من هیچ حرفی از سر به‌نیست کردن دخترش یا سپردن او به خانواده‌ای دیگر نزده‌ام و مهدی دروغ می‌گوید.»

اشد مجازات برای هر ۳ نفر

با گذشت بیش از دو سال از این ماجرا برای مهدی به اتهام قتل فرزندش و برای همسر چهارم او به اتهام معاونت در جنایت کیفرخواست صادر و پرونده‌شان برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه پدر مهدی که ولی‌دم بود، گفت: در همان ابتدای تشکیل پرونده، من اعلام گذشت کردم اما حالا از پسرم، عروس سابقم و زن چهارم مهدی شاکی هستم و برای هر سه، خواهان اشد مجازات هستم. مادر زینب نفر بعدی بود که به قضات گفت از همسرسابق و زن او شاکی است و رضایت نمی‌دهد.

مهدی هم در برابر قضات گفت: من اشتباه بزرگی کردم و پشیمانم. نمی‌خواستم دخترم را بکشم. من از طرف مادر زینب و همسر چهارمم تحت فشار روانی قرار داشتم. همسر چهارمم شرط گذاشته بود زینب را به خانه او نبرم. من فقط می‌خواستم از این شرایط رهایی یابم.

مهدی دوباره همان ماجرای تحت فشار بودن از سوی همسر چهارمش، خرید قرص از ناصرخسرو، خوراندن آن به زینب و رهاکردن دخترش را مطرح کرد. زن چهارم مهدی هم در دفاع از خودش گفت: قبول دارم که از مهدی خواسته بودم دخترش را نزد من نیاورد اما حرفی از سر به‌نیست کردن او نزدم. من در طبس زندگی می‌کنم و مادر زینب را حتی یک بار هم ندیده‌ام.

پس از دفاعیات متهمان، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.





پدر زینب مدعی‌است با قرص دخترش را به قتل رسانده و جسد او را در حوالی جاده پاکدشت - تهران رها کرده است

بازداشت شرور قاتل بعداز ۷ سال

شرور قاتل که هفت سال زندگی مخفیانه ای داشت در ورامین شناسایی و بازداشت شد. سردار کیومرث عزیزی، فرمانده انتظامی شرق استان تهران به سایت پلیس گفت: این متهم یکی از اراذل و اوباش سطح یک شهرستان پیشوا بود که دارای جرایمی از جمله قتل، تیراندازی، اخلال در نظم عمومی و نزاع دسته جمعی، نقص عضو افراد و انواع شرارت ها بود. وی به مدت ۷ سال در استان های مختلف کشور متواری بود. سرانجام شامگاه یکشنبه هفدهم بهمن امسال، رد آخرین مخفیگاه او در ورامین از سوی پلیس شهرستان پیشوا به دست آمد. آنها به آنجا اعزام شدند و متهم در آنجا بازداشت و به هفت سال فرار وی پایان گرفت.

بازداشت اوباش نوجوان

پسر نوجوانی که در «آساوله» سنندج با شمشیر به دوستش حمله‌ور شده و بعداز زخمی کردن وی متواری شده بود، بازداشت شد. محمد جباری، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کردستان به تسنیم گفت: فردی که اقدام به ایجاد رعب و وحشت و درگیری کرده بود، با دستور ویژه دادستانی از سوی ماموران اطلاعات نیروی انتظامی دو شب پیش بازداشت شد. تحقیقات از وی ادامه دارد.

کلاهبرداری به بهانه تیک آبی

فردی که به بهانه دادن تیک آبی به کاربران اینستاگرام، از آنها کلاهبرداری می کرد، بازداشت شد. سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران به ایسنا گفت: مردی با حضور در پلیس فتای از فردی به اتهام کلاهبرداری شکایت کرد که معلوم شد. وی در فضای مجازی به دنبال گرفتن تیک آبی برای صفحه اینستاگرامی اش بود صفحه‌ای را مشاهده کرده که در آن نوشته شده بوده که در قبال واریز مبلغی در کمترین زمان ممکن برای صفحه خود می توانید تیک آبی بگیرید. شاکی پول درخواستی را واریز کرده اما مسدود شده و دیگر از آن فرد خبری نشده است. متهم تحت تعقیب قرار گرفت و در یکی از محله های حاشیه شهر تهران بازداشت شد. او در تحقیقات اعتراف کرد که به شیوه‌ای مشابه از کاربران اینستاگرامی بیش از ۷۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده است.

نجات ۳ چترباز در ارتفاعات

سه چترباز که در کوه‌های اطراف بوشهر دچار حادثه شده بودند، نجات یافتند. به گزارش سایت هلال احمر، عبدالحسین طاهری، رئیس جمعیت هلال احمر کنگان استان بوشهر به ایرنا گفت: حادثه سقوط چتربازان در ۱۵ کیلومتری پایگاه در محور عسلویه به سمت گله‌دار؛ منطقه کوهستانی روستای شصت‌پیچ از سوی اورژانس به هلال احمر اعلام شد. نیروهای امدادی به محل اعزام شدند و با همکاری نیروهای محلی توانستند سه نفر چتر باز ۱۰ ساله، ۱۳ساله و ۴۳ ساله که دچار صدمات شدید بودند را از داخل دره و پرتگاه نجات دادند و به نقاط مرتفع منتقل و از آنجا به بیمارستان منتقل کردند.

مرد قاتل با پرداخت دیه، رضایت اولیای دم را کسب کرد

پایان ۱۵ سال کابوس اعدام

مردی که ۱۵ سال قبل دوستش را در جریان اختلاف‌هایی بر سر یک زمین به قتل رسانده بود، با پرداخت دیه ۵۰۰ میلیون تومانی بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روز نهم آذر سال ۸۵ جسد مردی که با طناب زردی خفه شده و پاهایش با آن بسته شده بود در جاده تهران - اسلامشهر داخل خودروی نیسان پارک شده‌ای پیدا شد. مدارک هویتی و گوشی نداشت. استعلام پلاک خودرو نشان داد مالک خودرو فرد دیگری بوده که با تحقیق از او هویت مقتول مشخص شد. او برای آزادکردن دوست زندانی‌اش راهی تهران شده بود.

در ادامه رد یکی از دوستان مقتول در این پرونده به‌دست آمد و با دستگیری‌اش و اعتراف به قتل، راهی زندان شد. متهم سپس در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. خانواده مقتول برایش قصاص خواستند. متهم در دفاع از خود گفت: سال ۸۵ مقتول را با مردی آشنا کردم و او از وی قطعه زمین ۱۰۰متری قولنامه‌ای خرید و پولش را داد اما فروشنده برای سند زدن در محضر حاضر نمی‌شد. او مرا مقصر ماجرا می‌دانست. آن روز راهی محل کارم بودم که مرا دید و سوارم کرد. در میانه راه خسته شد و من به جای او رانندگی کردم. سر سند زمین با هم جروبحث کردیم، عصبانی شده و طناب زرد داخل خودرو را برداشتم و دور گردنش انداخته و خفه‌اش کردم که فوت شد. با طناب پاهایش را بستم. گوشی و مدارک و چکی را که در خودرو بود با مقداری پول برداشتم.

حکم قصاص قاتل صادر و در دیوان عالی کشور تائید و به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. سه سال قبل او پای چوبه دار رفت که توانست مهلت بگیرد. با پایان یافتن این مهلت، او چند روز پیش دوباره پای چوبه دار رفت که این بار خانواده مقتول گفتند که اگر قاتل ۵۰۰ میلیون تومان دیه بدهد رضایت می‌دهند. خانواده مرد اعدامی بخشی از این پول را به کمک خیرین جمع‌آوری کردند اما هنوز ۳۰ میلیون تومان باقی مانده بود که این پول نیز با تلاش و همکاری گروه یاران نجات مستقر در دادسرای جنایی تهران و پسر یکی از مراجع تقلید، تامین و به خانواده مقتول پرداخت شد. حالا مرد اعدامی بعد از ۱۵ سال رضایت گرفت و از زندان آزاد شد.



افشای جنایت ۲۰ ساله با خاطره‌گویی قاتل در زندان

مرد میانسال که به اتهام قتل دوستش در زندان است، تصور نمی‌کرد خاطره‌گویی‌اش برای قدرت‌نمایی میان هم‌بندی‌هایش، راز دومین جنایت او را بعد از ۲۰ سال فاش کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته چند نفر از زندانیان در یکی از زندان‌های استان مازندران نزد مسؤولان زندان رفته و مدعی شدند یکی از هم‌بندی‌هایشان که متهم به قتل است برایشان تعریف کرده که حدود ۲۰ سال قبل مردی را در یکی از مناطق جنگلی شهر ساری به قتل رسانده است. مسؤولان زندان با شنیدن این موضوع ماجرا را به دادستانی و پلیس آگاهی ساری اطلاع‌دادند. چند روز پیش مرد زندانی برای تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد. او مدعی بود برای قدرت‌نمایی به دروغ به هم‌سلولی‌هایش گفته که آدم کشته است.

ماموران در ادامه تحقیقات پی بردند در همان سال ۸۱، مردی ۲۲ ساله که متاهل و شریک متهم بوده، بعد از خروج از محل کارش ناپدید شده و در این سال‌ها پیدا نشده است. ماموران به تحقیق دوباره از مرد زندانی پرداختند تا این‌که او دو روز پیش به قتل شریکش اعتراف کرد و گفت: سال ۸۱ ازطریق دوستانمان شنیدیم که در یکی از مناطق جنگلی، گنج است. وسوسه شدیم آن گنج را تصاحب کنیم. یک روز دو نفری به جنگل رفته و ساعت‌ها جست‌وجو کردیم اما ردی از گنج نبود. همکارم گمان می‌کرد می‌خواهم سرش کلاه بگذارم. درگیری لفظی ما شروع شد و بعد عصبانی شدم و با تخته‌سنگی ضربه‌ای به سرش زدم که او فوت کرد و جسد را در همان جنگل رها کردم. همه فکر می‌کردند که همکارم گمشده است تا این‌که فروردین سال گذشته با دوستم که ۶۰ ساله بود در خانه‌اش درگیر شده و ضربه‌ای به سرش زدم که باعث مرگش شد. در زندان برای خودنمایی، خاطره قتل همکارم را تعریف کردم که باعث دستگیری‌ام شد.

سرهنگ علی قیصری، رئیس پلیس آگاهی استان مازندران به جام جم گفت: با اعتراف متهم به قتل دوستش بعد از حدود ۲۰ سال، ماموران به محلی که او جسد را رها کرده بود اعزام شدند اما موفق به یافتن بقایای جسد نشدند اما تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.



قتل دختر جوان با ضربه‌های چاقو

دختر جوان در خانه‌اش در تهران با ضربه های چاقو به قتل رسید و تحقیقات برای رازگشایی از جنایت آغاز شده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۲۳و۴۵ دقیقه یکشنبه ۱۷ بهمن امسال مردی به پلیس ۱۱۰ تهران زنگ زد و اطلاع داد که نامزدش به قتل رسیده است. ماموران کلانتری نارمک به محل جنایت در آپارتمانی در طبقه چهارم ساختمانی در محله مجیدیه جنوبی تهران اعزام شده و با جسد دختر ۳۴ ساله که با ضربه های چاقو به قتل رسیده بود، روبه‌رو شدند. وسایل خانه کمی به‌هم ریخته بود و به‌نظر می‌رسید وسایل یا اموالی از آنجا سرقت نشده است.

ماموران در ادامه از همسایه‌ها تحقیق کردند اما کسی متوجه قتل این دختر نشده‌بود. در ادامه معلوم شد نامزدش اولین نفری بوده که جسد او را یافته که تحقیقات از او آغاز شد و گفت: هم‌دانشگاهی بودیم و پنج سال قبل نامزد کردیم اما در این مدت شرایط ازدواج نداشتیم. او تنها در این خانه زندگی می‌کرد و من مدام به او سر می‌زدم. پنجشنبه هفته‌گذشته به من زنگ زد و گفت صداهایی از خانه می‌شنود و انگار کسی در خانه است. همه‌جا را گشت اما کسی در خانه نبود. خواستم در آکاردئونی خانه را ببندد تا مطمئن شود کسی به خانه‌اش نمی‌آید. روز بعد زنگ زد که کلید را گم‌کرده و در خانه گرفتار شده است. به آنجا رفتم و با کلید یدک در را برایش باز کردم. شامگاه یکشنبه مادر نامزدم زنگ زد و گفت شنبه‌شب با دخترش حرف‌زده و بعد از آن دیگر پاسخگوی تماسش نبوده است. نگران بود و خواست سری به خانه‌اش بزنم که راهی آنجا شده و با ورود به خانه با جسدش روبه‌رو شدم.

محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران به جام جم گفت: تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت از سوی ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

مادر عامل قتل هولناک زن ۱۷ ساله در اهواز

فرار عروسم باعث جنایت شد

با گذشت سه روز از ماجرای قتل هولناک قتل زن ۱۷ساله اهوازی و انتشار فیلم سر بریده زن نوجوان توسط قاتل، هیاهو بر سر آن همچنان ادامه دارد. مادر قاتل در مصاحبه‌ای در مورد علت وقوع این جنایت توضیح داده است.

به گفته مادر سجاد - متهم - زن ۱۷ساله اهوازی با میل و رغبت با سجاد ازدواج کرد و صاحب یک پسر شدند. آن‌طور که او توضیح می‌دهد، چهارماه پیش عروسش از خانه خارج شد، در حالی‌که هیچ‌کس خبر نداشت به کجا رفته است. او به خبرنگار فارس گفت: از تمام فامیل و آشنایان سراغش را گرفتیم اما کسی خبر نداشت تا این‌که یک هفته بعد به دوستانش خبر داد در ترکیه است. عروسم گول خورد. آن‌طور که دوستان عروسم برای ما تعریف کرده‌اند، او از طریق اینستاگرام با یک مرد سوری آشنا شد و پس از رفتن به ترکیه به عقد او درآمد. بعد از عقد، عروسم عکس‌های خودش را با آن مرد برای پسرم ارسال می‌کرد که باعث می‌شد پسرم کنترل رفتارش را از دست بدهد. همسایه‌ها هم تا اتفاق یا بحث کوچکی پیش می‌آمد، موضوع فرار عروسم را به رخ پسرم می‌کشیدند و به جای دلداری دادن، سجاد را تحریک می‌کردند.

آن‌طور که مادر قاتل می‌گوید، زن ۱۷ساله اهوازی از مرد سوری باردار شده اما سقط کرده بود: «ما از طریق پلیس بین‌الملل مفقود شدن عروسم را خبر دادیم. البته عروسم هم پشیمان بود و می‌خواست به ایران برگردد. برای همین به پدر خودش و شوهرم گفته بود بیایید و مرا به ایران برگردانید. پسرم تهدید کرده بود که او را می‌کشد، برای همین پدر عروسم و همسر من می‌خواستند او را تا زمانی‌که تحویل کلانتری دهند، پنهان کنند. یک روز که شوهرم و پدر عروسم می‌خواستند او را تحویل کلانتری دهند، توسط پسرم غافلگیر شدند. سجاد از قبل حرکات پدر و عمویش را زیر نظر داشت و برای همین همراه برادرش جلوی ماشین آنها را گرفت و دونفری عروسم را با خودشان بردند و بعد هم سجاد با قمه عروسم را کشت.»

سوال پرتکرار این روزهای مردمی که فیلم فجیع قتل را دیده‌اند این است که چرا قاتل سر بریده همسرش را در شهر گرداند. مادر قاتل در پاسخ به این سوال می‌گوید: «پسرم به هر محله و خیابانی که به او انگ بی‌غیرتی زده شده بود، رفت و سر را گرداند تا بگوید من بی‌غیرت نیستم.» این ادعای مادر متهم به قتل در حالی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس مطرح شده که مسؤولان قضایی و انتظامی آن را تایید یا تکذیب نکرده‌اند.

رئیس کل دادگستری خوزستان هم دیروز اعلام کرد، در کمترین زمان ممکن به اتهامات این افراد رسیدگی می‌شود و حکم مقتضی متهمان پرونده صادر خواهد شد.



آگهی فراخوان عمومی

موسسه عمران صنعت در نظر دارد، نسبت به خرید اقلام ذیل از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.

۱- تامین و نصب ۴۸ عدد کابل استرند غیر چسبنده ۷ رشته‌ای روکش دار سایز ۰/۶ اینچ از نوع کابل ۶۸۰۷

۲- تأمین و نصب ۹۶ ست گیره هفت سوراخه به قطر سوراخ ۰/۶ اینچ و ۷ عدد گوه به همراه سایر متعلقات واقع در دو سر کابل‌های استرند

- از کلیه فروشندگان با فعالیت و سابقه اجرایی مرتبط دعوت می شود حداکثر ظرف مدت ۲ روز از ساعت ۸ الی ۱۴ جهت خرید اسناد با ارائه رزومه مرتبط و معرفی نامه به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

تهران، چهارراه پاسداران، خیابان شهید کلاهدوز (دولت) نرسیده به بلوار کاوه، بن‌بست طلاکوب، پلاک ۱ طبقه چهارم، مدیریت امور حقوقی و قراردادها

- تحویل اسناد مناقصه منوط به ارائه رزومه کاملا مرتبط با موضوع مناقصه می‌باشد.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن‌های ۲۲۷۸۳۸۳۱-۲۲۷۶۲۰۰۳ - ۰۲۱ داخلی ۱۶۵ تماس حاصل نمایید.
- هزینه این آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مؤسسه عمران صنعت